

زلمی خلیل زاد : اوضاع منطقه و جهان بهرتر از هر وقت دیگر به نفع افغانستان است

پیمان ستراتیژیک یک موافقتنامه تجارتي نیست که فقط از بُعد مالی و اقتصادی به آن پرداخته شود؛ این پیمان باید راهگشای جامع برای امنیت، ثبات پایدار، توسعه زیربناها و انکشاف نهادهای دیموکراتیک باشد. افغانستان باید به خودکفایی همجانبه، خاصاً امنیتی و اقتصادی دست یابد یا باید ساختارهای آشوبگرانه در منطقه تغییر کند تا افغانستان از گزند مداخلات ویرانگر مصون بماند.



درحالیکه روند خروج قوای بین‌المللی و انتقال فرماندهی امور امنیتی به نیروهای افغان در مراحل اولیه قرار دارد، طرح ریزی پلان‌های شوم برای ناکام کردن دوباره افغانستان آغاز گردیده است. در نبود یک ستراتیژی دقیق و قابل اطمینان، خلای نیروهای بین‌المللی به عناصر مداخله‌گر فرصت خواهد داد تا اوضاع را یک دهه به عقب برگردانده و افغانستان را بار دیگر در جنگ‌های داخلی فرو برند. خروج تدریجی نیروهای ناتو و امریکا نباید منجر به سقوط تدریجی افغانستان گردد.

افغان‌ها باید دقیق‌تر و ستراتیژیک‌بین‌دیشند و در مورد آینده کشور شان با دقت و هوشیاری تصمیم گرفته و با انتخاب بهترین متحد ستراتیژیک، مداخلات منطقی و چلنج‌های داخلی را دفع نمایند. تشخیص و انتخاب بهترین دوست برای افغانستان ناممکن نیست، چون در ناملايمات ۳۵ سال گذشته، افغان‌ها آنهایی را که دعوای برادری و هم‌کیشی داشتند به‌خوبی شناختند. چه از لحاظ منافع بهتر و بیشتر و چه از لحاظ اعتماد و پایداری، امریکا بهترین انتخاب برای عقد یک پیمان، ائتلاف بلند مدت سیاسی، نظامی و اقتصادی برای افغانستان می‌باشد.

بستن یک پیمان مستحکم ستراتیژیک با ایالات متحده، افغانستان را کمک خواهد کرد تا نه تنها با چلنج‌های موجود امنیتی و مداخلات بیرونی ایستادگی کند بلکه به اهداف دراز مدت انکشافی، دولتداری و سیاسی خود دست یابد. بهبود امنیت و رشد اقتصادی دو ضرورت حیاتی افغانستان است که آینده بیشتر از ۲۷ میلیون افغان به آن وابسته است. افغانستان نمی‌تواند بدون حضور نظامی و کمک‌های اقتصادی بلند مدت امریکا و متحدینش، به اهداف ملی خود نایل آید.

دولت افغانستان همچنین می‌تواند در چوکات یک پیمان ستراتیژیک با امریکا چگونگی مبارزه علیه دهشت‌افگنی را تعیین نموده مشکلاتی چون تلفات غیر نظامیان، تلاش‌های شبانه و توقیف افراد مظنون به تروریسم توسط نیروهای بین‌المللی را حل و فصل کند. از طریق تأسیس پایگاه‌های مشترک نظامی افغان و امریکا، نه تنها می‌توان که به عوامل نا امنی و شورشگری رسیدگی به موقع نمود بلکه روند آموزش و تجهیز نیروهای ملی افغان را هم ادامه داد. پایگاه‌های مشترک نظامی می‌توانند هم حضور نیروهای امریکایی در افغانستان را قانونمند سازند و هم در تأمین شفافیت در فعالیت‌ها و ایجاد هماهنگی بسیار موثر واقع گردند.

اما شبکه‌های خرابکار و مداخله‌گر، فعالیت‌های وسیع تبلیغاتی را جهت مغشوش نمودن اذهان عامه در مورد مسیر آینده روابط افغانستان و امریکا انجام می‌دهند. افغان‌ها باید بار دیگر، فریب این پروپاگند‌های پوچ را نخورند. این قضاوت نادرست که امریکا به هر قیمتی مایل به انعقاد یک معاهده یا اعلامیه ستراتیژیک با افغانستان است، خامی محض است. افغانستان نه یک کشور کاملاً اشغال شده است و نه هم امریکا متمایل به ایجاد ساختارهای استعمار گرایانه در این کشور است. افغانستان و امریکا دو کشور مستقل و دارای حاکمیت ملی بوده و هر نوع اتحاد و روابط ستراتیژیک میان شان مبتنی بر اساسات منافع دو جانبه باید باشد.

اوضاع منطقه و جهان بهتر از هر وقت دیگر به نفع افغانستان است. پس از جنگ سرد ایالات متحده و متحدین اروپایی اش چه از لحاظ اقتصادی و سیاسی و چه از لحاظ قدرت نظامی، حریفی ندارد. در یک همسایگی افغانستان، جمهوری اسلامی ایران است که از بدو تأسیس با ایالات متحده و جهان غرب مشکلات عمیق ایدئولوژیک دارد. خوشبختانه افغانستان نه با غرب مشکل ایدئولوژیک دارد و نه هم پیرو ایدئولوژی دیگران است. در همسایگی دیگر افغانستان، جمهوری اسلامی پاکستان است که طی چند سال اخیر بنا بر پالیسی‌های غلط دستگاه‌های نظامی و

استخباراتی اش هم مردم پاکستان را قربانی دهشت افگنی نموده و هم بر حیثیت دولت پاکستان شدیداً لطمه وارد نموده است. جامعه جهانی و خاصتاً ایالات متحده اعتماد کامل بر اردو و استخبارات پاکستان را از دست داده است و به همین دلیل ایام چک های سفید واشنگتن به اسلام آباد به پایان رسیده است. در همچو یک جغرافیای نامطمئن، دولت ایالات متحده در جستجوی یک شریک دراز مدت ستراتژیک در منطقه است. شرط اساسی واشنگتن برای یک پیمان ستراتژیک واضح است: تروریستان نباید مجدداً در منطقه به قدرت دست یابند. اتفاق نیک این است که این شرایط با منافع ملی افغانستان کاملاً وفق دارد. افغان ها که خود قربانی تروریزم بوده اند، هیچ گاهی نمی خواهند کشورشان میدان بازی ایدئولوژی های افراطی و ضد غربی گردد. افغان ها این حق را دارند - و باید از آن حراست ورزند - که با کی و روی چه شرایطی روابط ستراتژیک دراز مدت می بندند. حقایق بالا نشان می دهد که هم ایالات متحده آمریکا و هم افغانستان در شرایط فعلی به یکدیگر نیاز دارند.

دوستی ستراتژیک بین این دو کشور از یک طرف منافع ملی دراز مدت آمریکا را محفوظ می دارد و از طرف دیگر به افغانستان موقع می دهد تا به پای خود ایستاد شده و راه ترقی را در پیش گیرد.

درس تلخی را که افغان ها از تاریخ بارها آموخته اند این است که صلح، رفاه و ترقی فقط با چند شعار آرمان گرایانه حاصل نمی گردد بلکه واقع بینی و درست اندیشی سیاسی را می طلبد که طی آن رهبران و تصمیم گیران منافع ملی را بر احساسات و عواطف شخصی ترجیح دهند. آنهایی که با عواطف شخصی زمام کشور را رهبری می نمایند، در حق ملت جفا می کنند. رهبران افغان باید صادقانه و بدون ملاحظات شخصی شان در مورد فواید درازمدت و اضرار ممکنه ایجاد روابط ستراتژیک با ایالات متحده آمریکا به مردم معلومات بدهند.

پایان.